از وحدت شعاری تا نهضت نخبگانی جهان اسلام

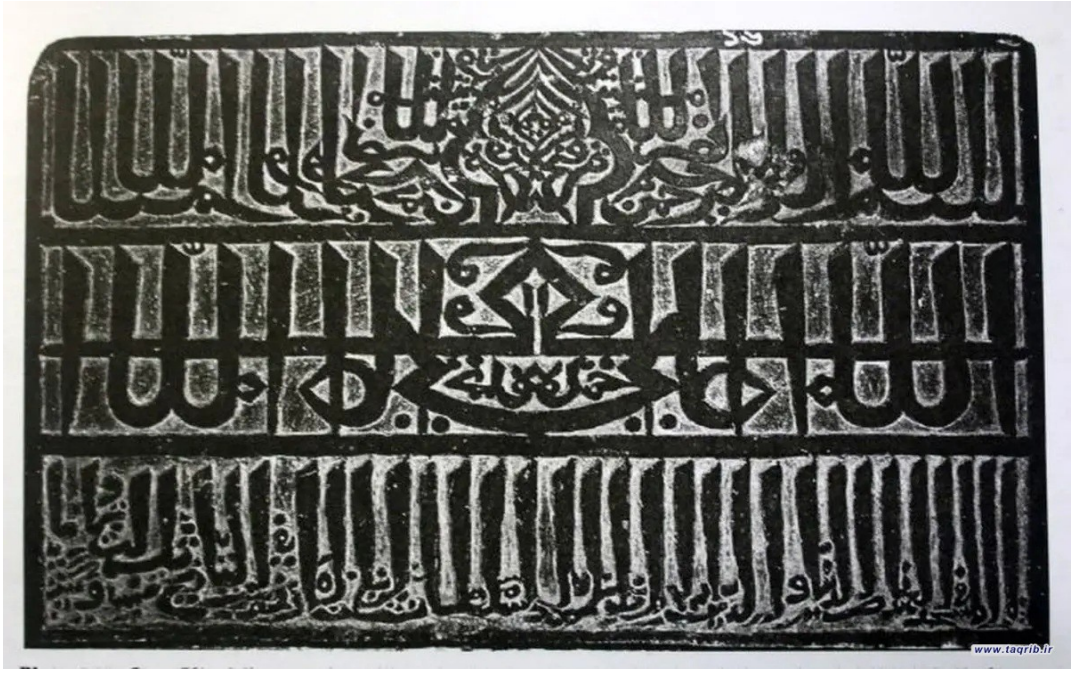

جهان اسلام امروز بیش از هر زمان دیگری با یک پرسش بنیادین روبه‌روست؛ چرا با وجود اشتراکات گسترده اعتقادی، تاریخی و فرهنگی، هنوز نتوانسته است به سطحی از همگرایی دست یابد که بتواند در برابر بحران‌های سیاسی، فرهنگی و تمدنی عصر حاضر ایفای نقش کند؟ پاسخ به این پرسش را نمی‌توان صرفاً در عرصه سیاست جست‌وجو کرد، بلکه بخش مهمی از آن به حوزه اندیشه، فرهنگ و نوع مواجهه مسلمانان با میراث دینی بازمی‌گردد.

تجربه تاریخی مسلمانان نشان می‌دهد هرگاه بازگشت به منابع اصیل اسلامی با فهمی عمیق، جامع و متناسب با نیازهای زمان صورت گرفته، زمینه‌های شکل‌گیری جامعه‌ای پویا، اخلاق‌مدار و برخوردار از روح اخوت اسلامی فراهم شده است. در مقابل، هرگاه نگاه‌های سطحی، جزئی‌نگر و متحجرانه بر فضای فکری غلبه یافته، شکاف‌های اجتماعی و مذهبی افزایش یافته و ظرفیت‌های تمدنی اسلام تضعیف شده است. از همین رو، تحقق وحدت امت اسلامی نیازمند قرائتی جامع از اسلام است که در آن آموزه‌های اعتقادی، اخلاقی، اجتماعی و تمدنی به صورت یک منظومه واحد دیده شوند.

یکی از چالش‌های جدی جهان اسلام در دهه‌های اخیر، فروکاستن دین به مجموعه‌ای از شعارها یا مناسک منفصل از واقعیت‌های اجتماعی بوده است. در حالی که سنت نبوی و سیره اهل‌بیت(ع) الگویی فراگیر برای مدیریت جامعه، تحقق عدالت، اخلاق عمومی و همزیستی اسلامی ارائه می‌دهد. جامعه اسلامی زمانی می‌تواند به سوی پیشرفت واقعی حرکت کند که عمل به احکام اسلامی و پایبندی به اخلاق به عنوان دو شاخص اصلی رشد و تعالی اجتماعی مورد توجه قرار گیرد؛ زیرا توسعه در منطق اسلامی صرفاً به معنای پیشرفت مادی نیست، بلکه ارتقای معنوی، اخلاقی و انسانی جامعه را نیز در بر می‌گیرد.

در این میان، نقش نخبگان و اندیشمندان اسلامی اهمیتی مضاعف پیدا می‌کند. تحولات پرشتاب جهان معاصر، گسترش جنگ‌های شناختی، پروژه‌های اسلام‌هراسی و تلاش قدرت‌های سلطه‌گر برای تعمیق شکاف‌های مذهبی و قومی، نشان داده است که وحدت اسلامی تنها با صدور بیانیه‌ها و نشست‌های رسمی محقق نخواهد شد. آنچه امروز جهان اسلام به آن نیاز دارد، شکل‌گیری یک «نهضت نخبگانی تقریب» است؛ نهضتی که بتواند فراتر از ملاحظات سیاسی و رقابت‌های منطقه‌ای، به تولید اندیشه، ارائه راهکار و طراحی الگوهای عملی برای همگرایی امت اسلامی بپردازد.

گفتمان تقریب مذاهب نیز زمانی به یک راهبرد مؤثر تبدیل خواهد شد که از سطح شعارهای وحدت‌طلبانه عبور کرده و به عرصه تولید فکر، تربیت نخبگان و شبکه‌سازی میان مراکز علمی و دینی جهان اسلام وارد شود. تقریب در حقیقت پروژه‌ای معرفتی است که نیازمند گفت‌وگوی مستمر، شناخت متقابل و تبیین مشترکات امت اسلامی در برابر چالش‌های مشترک است. بدون چنین رویکردی، تلاش‌های تقریبی در بهترین حالت به اقدامات مقطعی و کم‌اثر محدود خواهد شد.

امروز بیش از هر زمان دیگری روشن شده است که کلید تحقق وحدت اسلامی در دست اندیشمندان، عالمان و نخبگانی قرار دارد که بتوانند با نگاهی حقیقت‌بین و دور از تعصبات فرقه‌ای، الگوی جامعه نبوی را متناسب با اقتضائات جهان معاصر بازخوانی کنند. جهان اسلام برای عبور از بحران‌های کنونی نیازمند بازسازی سرمایه فکری خود و احیای مرجعیت علمی مشترک میان مسلمانان است؛ مرجعیتی که بتواند امت اسلامی را از پراکندگی به همگرایی و از انفعال به نقش‌آفرینی تمدنی رهنمون سازد.

در چنین شرایطی، مراکز علمی و دینی جهان اسلام، به‌ویژه نهادهایی که رسالت تقریب مذاهب را بر عهده دارند، وظیفه‌ای فراتر از فعالیت‌های سنتی بر دوش دارند. این مراکز باید به کانون تولید ایده، ارتباط میان متفکران مسلمان و طراحی راهبردهای نوین وحدت اسلامی تبدیل شوند. آینده تقریب، بیش از آنکه در میدان رقابت‌های سیاسی رقم بخورد، در عرصه اندیشه و گفت‌وگوی نخبگانی شکل خواهد گرفت؛

عرصه‌ای که می‌تواند زمینه‌ساز احیای نقش تاریخی امت اسلامی در معادلات جهانی باشد.